

## مطالعه عوامل بازدارنده مشارکت شهروندان شهرستان شیراز در ورزش همگانی از دیدگاه بانوان

محمد فرهمندنیا<sup>۱</sup>، دکتر مینا مستحفظیان<sup>۲</sup>، دکتر مهدی نمازی زاده<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد تربیت بدنی، گرایش مدیریت و برنامه ریزی، دانشگاه آزاد اسلامی خوراسگان

۲. استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی نجف آباد

۳. استاد و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی خوراسگان

بررسی نگرش و گرایش جوانان شهر اصفهان نسبت به فعالیت های ورزشی توسط عسگری ریزی (۱۳۸۹) انجام گرفت، علل عدم مشارکت ورزشی آزمودنی ها در فعالیت های ورزشی به ترتیب عبارتند از عقب ماندن از کارهای روزانه، در دسترس نبودن اماکن ورزشی، تنبلی و بی حوصلگی (۳). اتقیاء (۱۳۸۶) پژوهشی با عنوان نیازسنجی از اقشار مختلف زنان ایرانی در زمینه ورزش همگانی انجام داد. در مورد علت احتمالی ورزش نکردن بانوان، نداشتن وقت، نداشتن امکانات ورزشی مناسب و در دسترس، نداشتن علاقه و حوصله، نداشتن مربیان مجرب و آگاه از مهم ترین دلایل بانوان مورد بررسی بود (۱). همچنین در پژوهشی که بر روی جامعه ای منتخب از چین انجام شد، محققین به این نتیجه رسیدند که مهمترین عوامل بازدارنده مشارکت ورزشی شامل عوامل ساختاری، عوامل فردی، و در نهایت عوامل بین فردی می باشد (چیک و دانگ<sup>۴</sup> ۲۰۰۴). هالتزمن<sup>۳</sup> (۲۰۰۷) در بین جمعیت منتخبی از زنان و مردان آلمان تحقیقی را انجام داد و به این نتایج رسید که مهمترین موانع در مشارکت مردم شامل نداشتن دسترسی، دلایل شخصی، هزینه ها و مشکلات مالی می باشد (۹). کاسپر و همکاران<sup>۴</sup> در سال (۲۰۱۱)، در تحقیقی که در میان لاتین تبارهای امریکای شمالی انجام دادند، عوامل عدم همراهی دوستان، عدم آگاهی، عدم دسترسی، نبود زمان کافی، عدم امکانات و عدم ایمنی را محدود کننده مشارکت ورزشی و فعالیت اوقات فراغت آنان بیان کردند (۶).

## روش شناسی تحقیق. روش مورد استفاده در پژوهش

حاضر، توصیفی از نوع پیمایشی می باشد. جامعه آماری پژوهش حاضر را تمامی زنان شیرازی بالای ۱۸ سال، در سال ۱۳۹۰ تشکیل می دهند، که طبق آخرین سرشماری در سال ۱۳۸۵، برابر با ۴۶۵۹۶۳ نفر می باشند و حجم نمونه با توجه به فرمول نمونه گیری کوکران، ۲۰۰ نفر انتخاب شد و روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای به کار گرفته شد.

برای انجام این پژوهش، از پرسشنامه ای که توسط کارول و آلکساندریس بر اساس مدل هرمی موانع مشارکت ورزشی تهیه شده بود، استفاده گردید و توسط تعدادی از متخصصان تربیت بدنی مورد بازنگری قرار گرفت. اعتبار پرسشنامه ها  $\alpha = 90\%$  به دست آمد، و

**مقدمه.** جابجایی، حرکت و تحرک از ویژگی های بیشتر موجودات از جمله انسان است. انسان در هر مرحله از زندگی، بر حسب نوع و میزان فعالیت جسمانی نیازهای متفاوتی دارد که باید به آن ها پاسخ داده شود. انسان ها به عنوان موجوداتی جامعه گرا، به طور عمده در مجتمع های زیستی اعم از روستا و شهر، گرد یکدیگر جمع می شوند و زندگی می کنند. با ارتقای سطح شهرنشینی، نوع و میزان فعالیت های فیزیکی تغییر یافته و نیاز به فعالیت فیزیکی برای فراهم آوردن امکانات زندگی کمتر شده است. بنابراین شهروندان برای پاسخ گویی به نیاز تحرک باید به طور برنامه ریزی شده ای به ورزش بپردازند تا از مزایای آن بهره مند شوند. از طرف دیگر با توجه به افزایش شهرنشینی، شهر ها به عنوان محیط زیست انسان، باید فضایی را فراهم آورد تا شهروندان به ورزش تمایل پیدا کنند (۲). کرافورد، جکسون و گادبی<sup>۱</sup> (۱۹۹۱) یک مدل سلسله مراتبی عوامل بازدارنده اوقات فراغت را ارائه کردند و در آن نشان دادند که عوامل بازدارنده در سلسله مراتبی از مراحل تصمیم گیری قرار می گیرند و فرد این عوامل را به ترتیب با اولویت عوامل بازدارنده ی فردی، بین فردی، و ساختاری تجربه می کند. آنان معتقدند "مشارکت وابسته به عوامل، بازدارنده است، نه این که نبود عوامل بازدارنده، به معنی مشارکت است. (اگر چه این حالت ممکن است برای بعضی افراد صحت داشته باشد). مشارکت در نتیجه ی غلبه بر این عوامل، حاصل می شود. (۷).

تحقیقی با عنوان بررسی اهمیت عوامل بازدارنده زنان تهران از مشارکت در ورزش تفریحی با توجه به متغیر خصوصیات فردی، توسط کشکر و احسانی (۱۳۸۶) انجام شد (۴). نتایج نشان داد که در بین این زنان، عوامل ساختاری مهم ترین دسته عوامل اثر گذار بر مشارکت آن ها در ورزش است و عوامل بازدارنده ی فردی و بین فردی به ترتیب در اولویت دوم و سوم قرار دارند. معتمدین و همکاران (۱۳۸۶)، در یک پژوهش به توصیف عوامل گرایش و عدم گرایش شهروندان تبریزی به ورزش همگانی پرداختند. یافته های پژوهش نشان می دهد که از عوامل عدم گرایش به انجام ورزش همگانی، بالا بودن هزینه ها و شهریه های سنگین باشگاه ها، نداشتن مشغله زندگی، کمبود امکانات ورزشی و عدم امکان انجام ورزش زنان در پارک ها و اماکن عمومی می باشد (۵). پژوهشی دیگر با عنوان

2 Chick &amp; Dong

3 Hultsman

4 Casper, et al

1 Crawford, Jackson, Godbey

با توجه به یافته های تحقیق، ترتیب عوامل سه گانه مدل در پیش بینی عوامل بازدارنده در بین بانوان شیراز، شبیه مدل سلسله مراتب عوامل بازدارنده اوقات فراغت نمی باشد؛ به عبارت دیگر، ترتیب قرار گیری مدل عوامل بازدارنده اوقات فراغت بانوان شیراز در ورزش همگانی عبارت از اولویت اول موانع ساختاری، اولویت دوم موانع بین فردی، و اولویت سوم موانع درون فردی است. نتایج این تحقیق با تحقیق چیک و دانگ (۲۰۰۴)، کشر و احسانی که اختصاصا بر روی این عوامل بازدارنده تحقیق کرده بودند، و همچنین کاسپر (۲۰۱۱)، همخوانی ندارد. ولی با پژوهش های اتقیا (۱۳۸۶)، معتمدین (۱۳۸۶)، عسگری ریزی (۱۳۸۹) و همچنین سی راد (۲۰۰۶) و هالترمن (۲۰۰۷) همخوانی دارد.

پایایی آنها از طریق آلفای کرونباخ محاسبه شده و مقدار آن ۰/۸۴ درصد گزارش شد. داده ها بوسیله آزمون تحلیل واریانس (ANOVA) و آزمون تعقیبی LSD مورد بررسی قرار گرفت.

**یافته های تحقیق.** در بین آزمودنی ها ۵۱ درصد مرد، ۴۹ درصد زن، ۴۹/۳ درصد مجرد، ۵۰/۲ درصد متأهل، و ۲۶/۷ درصد دارای مشارکت ورزشی بیش از یک روز در هفته بوده اند. با توجه به میانگین امتیازات عوامل بازدارنده، موانع ساختاری با میانگین امتیاز ۲/۵۷، موانع بین فردی با ۲/۴۸ و موانع درون فردی با ۱/۷۶ امتیاز به ترتیب در اولویت اول تا سوم موانع بازدارنده مشارکت ورزشی قرار گرفتند. با توجه به این که آزمون ANOVA در سطح  $(P=0/05)$  معنادار شده است، از آزمون تعقیبی LSD، برای نشان دادن تفاوت های جفتی بین مولفه های مختلف، استفاده می کنیم (جدول ۲).

جدول ۱. تحلیل واریانس (ANOVA)، بررسی میانگین سه مولفه درون فردی و بین فردی و ساختاری

مقدار احتمال p-value	آماره F	مربع میانگین	درجه آزادی (df)	مجموع مربعات	
۰/۰	۱/۰۳	۵۳۷۵۴	۲	۱۰۷۵۸۰	بین گروهی
-	-	۵۲	۱۱۹۷	۶۲۲۱۹	درون گروهی
-	-	-	۱۱۹۹	۱۶۹۷۲۷	کل

جدول ۲. آزمون تعقیبی LSD

میانگین	P- value مقدار احتمال	
۷/۷۲	۰/۰	میانگین ساختاری و بین فردی
۳۹/۸۵	۰/۰	
۲۴/۷۴	۰/۰	میانگین درون فردی و بین فردی
۳۹/۸۵	۰/۰	
۲۴/۷۴	۰/۰	میانگین درون فردی و ساختاری
۷/۷۲	۰/۰	

همکاران عوامل بازدارنده را در این مدل اولویت بندی نمودند. به این صورت که این مدل به ترتیب شامل سه دسته عوامل بازدارنده می باشد، اولویت اول عوامل بازدارنده درون فردی، اولویت دوم عوامل بازدارنده بین فردی، و اولویت سوم عوامل بازدارنده ساختاری. ترتیب قرار گیری این مدل در مشرق زمین، مثل تحقیق چیک و دانگ (۲۰۰۴) که در کشور چین انجام شد، عامل فرهنگ را دلیل عدم

**بحث و نتیجه گیری.** مبانی نظری و اصلی ما در این پژوهش، مدل سلسله مراتبی عوامل بازدارنده اوقات فراغت می باشد که توسط کرافورد و همکاران در سال (۱۹۹۱) ارائه شد. آن ها در این مدل، موانعی را برای مشارکت افراد در ورزش که یکی از گونه های بسیار مهم گذران اوقات فراغت می باشد، نشان دادند. کرافورد و

۴. کشکر، سارا؛ احسانی، محمد (۱۳۸۶). بررسی اهمیت عوامل بازدارنده زنان تهران از مشارکت در ورزش تفریحی با توجه به متغیر خصوصیات فردی، مجله مطالعات زنان، شماره ۲، صص ۱۱۳-۱۳۴.
۵. معتمدین، مختار؛ مددی، بهمن؛ عسکریان، فریا (۱۳۸۶). توصیف عوامل گرایش یا عدم گرایش شهروندان تبریزی به ورزش همگانی مجله پژوهش در علوم ورزشی، شماره ۲۳، صص ۶۸-۹۷.
6. Casper, J., Gacio, H., Palacios, J. (2011). Perceived constraints to leisure time physical activity among Latin's. Ninth Active living Research Annual Conference Santiago, NC state university. Available from: <http://cnr.ncsu.edu/ipare/>.
7. Chick, G., Dong, E. (2004). Possibility of refining the hierarchical model of leisure constraints through cross-Cultural Research. Pp: 338-344 in Proceedings of The 2004 North eastern Recreation Research Symposium: 2004 April Bolt or landing.
8. Crawford, D., Jackson, E., Godbey, G. (1991). A hierarchical model of leisure constraints. Leisure Sciences. 13, 309-320.
9. Hultsman, W. (2007). Negotiation of Leisure constraints: An extension of Dimensionality. Journal of Leisure Research, 36, 139-145.

تطابق با مدل مذکور دانسته اند و همچنین تحقیق کشکر و احسانی (۱۳۸۶) که در ایران و بر روی زنان تهران انجام دادند، عوامل فرهنگ، شرایط اقتصادی، و اجتماعی شهروندان را دلیل یکسان نبودن با مدل مذکور دانسته اند. این تناقضات در نتایج مختلف تحقیقات گذشته، محقق را بر آن داشت تا پژوهشی مشابه و بطور تخصصی بر روی این مدل در شهرستان شیراز انجام دهد. یافته های پژوهش حاضر نشان می دهد که ترتیب و توالی عوامل بازدارنده مدل سلسله مراتبی اوقات فراغت، در جامعه ی بانوان شهرستان شیراز صدق نمی کند و این ترتیب و توالی، طبق آن چه یافته های پژوهش حاضر بر حسب اهمیت این عوامل نشان می دهد، عبارت است از اولویت اول عوامل ساختاری، اولویت دوم عوامل بین فردی و اولویت سوم عوامل درون فردی. به نظر می رسد با توجه به نتایج تحقیق، این عدم تطابق با مدل اصلی، به دلیل شرایط اقتصادی، و فرهنگی جامعه ی مورد مطالعه باشد.

#### منابع

۱. اتقیا، ناهید (۱۳۸۶). نیازسنجی از اقصای مختلف زنان ایرانی در زمینه ی ورزش های همگانی، مجله پژوهش در علوم ورزش، شماره ۱۷، صص ۱۵-۳۱.
۲. عباس زادگان، مصطفی (۱۳۸۶). شهر، شهروند و ورزش، چاپ اول، تهران، انتشارات سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، صص ۱۲-۱۲۶.
۳. عسگری ریزی، مهری (۱۳۸۹). بررسی نگرش و نگرایش جوانان شهر اصفهان نسبت به فعالیت های ورزشی، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خوراسگان اصفهان.